



نقد بخشنامه معاونت قوه قضائیه پیرامون ماده ۳۲ قانون وکالت ۱۳۱۵ شهر آنجلی / وکیل پایه یک / کانون وکلای دادگستری استان مرکزی

هو الوکیل

نقد بخشنامه معاونت قوه قضائیه پیرامون ماده ۳۲ قانون وکالت ۱۳۱۵

قوه قضائیه وفق شق دوم اصل ۱۵۶ قانون اساسی، مکلف به گسترش و تضمین آزادی های مشروع افراد جامعه در چارچوب قانون بوده و به هیچ وجه حق تحدید حقوق افراد را با تفسیرهای شخصی و سلیقه ای خود ندارد. لکن اخیراً معاونت محترم قوه قضائیه جناب حجه الاسلام محسنی اژیّه ضمن اصدار بخشنامه شماره ۹۰۱۸/۲۱۱۶۱۵ مورخ ۱۳۹۷/۲/۲۳ خطاب به روسای کل دادگستری سراسر کشور، اشعار داشته :

با توجه به گزارشات مکرر مردم از عدم رعایت مقررات قانونی توسط تعدادی از وکلای دادگستری ، به منظور رعایت حقوق مراجعین به دادگستری و رعایت ضوابط قانونی در خصوص وکالت در دعاوی، موکداً یادآوری می گردد در اجرای ماده ۳۲ قانون وکالت که مقرر می دارد:

" وکلا باید با موکل خود قرارداد حق الوکاله تنظیم و مبادله نمایند و نسخه ثانی قرارداد را به ضمیمه وکالتنامه به دفتر محکمه تسلیم دارند..."

وکلاء مکلفند نسخه ای از قرارداد را به همراه وکالتنامه ضمیمه دادخواست نمایند. لذا در صورت تخلف از مفاد ماده ۳۲ و یا تخلف از موارد مصرح در ماده ۳۴ قانون فوق ، قضات محترم اقدام مقتضی معمول و یا موضوع را به این معاونت اعلام نمایند...

نظارت بر حسن اجرای این بخشنامه، برعهده روسای کل دادگستری می باشد.

حالیّه علی رغم تحریر ناقص " ظاهراً تعمّدی " ماده ۳۲ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ در بطن بخشنامه و با عنایت بر اینکه اصدار بخشنامه همراستا با حسن اجراء و تنظیم امور داخلی محاکم یا همان طرز کار قوه قضائیه بوده و لیکن بخشنامه متنازع فیّه علاوه بر تحدید آزادی های مشروع اصحاب دعوا و وکلای دادگستری ، به جهات ذیل الذکر مغایر با قانون و بالتبع مردود می باشد :



نقد بخشنامه معاونت قوه قضایه پیرامون ماده ۳۲ قانون وکالت ۱۳۱۵ شهر آنجفی / وکیل پایه یک / کانون وکلای دادگستری استان مرکزی

۱) ماده ۳۲ قانون وکالت ۱۳۱۵، وکلاء را مطلقاً موظف به تنظیم قرارداد حق الوکاله با موکل خود دانسته و تسلیم آن به محکمه را به ضمیمه وکالت نامه، از تکالیف وکلاء تلقی نموده است:

" وکلاء باید با موکل خود قرارداد حق الوکاله تنظیم و مبادله نمایند و نسخه ثانی قرارداد را به ضمیمه وکالتنامه به دفتر محکمه تسلیم دارند..."

به دیگر سخن، وکلاء مطلقاً تحت هیچ شرایط و بهانه نمی توانند وکالت نامه خود را بدون قرارداد تنظیمی حق الوکاله تسلیم محکمه نمایند.

۲) در مقابل، قانونگذار ۱۸ سال بعد طی ماده ۱۹ لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳، بالصراحه اشعار داشته:

" میزان حق الوکاله در صورتی که قبلاً بین طرفین توافق نشده باشد طبق تعرفه‌ای است که با پیشنهاد کانون و تصویب وزیر دادگستری تعیین خواهد شد و در قبال اشخاص ثالث این تعرفه معتبر خواهد بود مگر در صورتی که قرارداد حق الوکاله کمتر از میزان تعرفه وکالتی باشد. "

به دیگر سخن، ممکن است به جهت سکوت طرفین در باب میزان حق الوکاله، توافق یا قرارداد حق الوکاله ای نیز وجود نداشته باشد. در این صورت، قانوناً وکلاء الزامی به تنظیم قرارداد حق الوکاله نداشته و تعرفه مصوب وزیر دادگستری صرفاً مناط اعتبار می باشد.

۳) همراستا و موید ماده مارالذکر نیز، آیین نامه تعرفه حق الوکاله، حق‌المشاوره و هزینه سفر وکلای دادگستری مصوب ۱۳۸۵ طی ماده ۱، اشعار داشته:



نقد بخشنامه معاونت قوه قضائیه پیرامون ماده ۳۲ قانون وکالت ۱۳۱۵

شهر آنجلی / وکیل پایه یک / کانون وکلای دادگستری استان مرکزی

" قرارداد حق الوکاله طبق ماده ۱۹ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب سال ۱۳۳۳ بین وکیل و موکل معتبر است. در تعیین حق الوکاله در صورتیکه قرارداد در بین نباشد، در مورد محکوم علیه، مالیات و سهم تعاون این تعرفه معتبر خواهد بود. چنانچه قرارداد حق الوکاله کمتر از میزان تعرفه وکالتی باشد در مورد محکوم علیه مبلغ کمتر ملاک خواهد بود."

به دیگر سخن، در صورت فقد قرارداد حق الوکاله، تعرفه وکالتی مناط اعتبار بوده لذا وکلاء هیچ الزامی به تنظیم قرارداد حق الوکاله نداشته و بالتبع چنانچه وکیل، بدون ابراز قرارداد حق الوکاله، اعلام وکالت نماید، محکمه مکلف به پذیرش وکالت وی بوده و مالیات، سهم تعاون و حتی محکومیت محکوم علیه به پرداخت حق الوکاله وکیل محکوم له، بر اساس تعرفه قانونی تعیین خواهد شد.

(۴) منطوق ماده ۲ آیین نامه معنون بصورت جمله شرطیه بوده و براین اساس و طبق مبانی اصولی، جمله شرطیه واجد مفهوم مخالف و حجیت است:

" اگر بموجب قرارداد فیما بین، مبلغ حق الوکاله مازاد بر تعرفه تعیین شده باشد درج این مبلغ در وکالتنامه و ارائه آن جهت ابطال تمبر علی الحساب مالیاتی (موضوع ماده ۱۰۳ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۶۶) لازم خواهد بود..."

به دیگر سخن، اگر به موجب قرارداد فیما بین، مبلغ حق الوکاله مازاد بر تعرفه تعیین نشده باشد (یعنی معادل یا کمتر از تعرفه)، درج این مبلغ در وکالتنامه و ارائه وکالتنامه لازم نخواهد بود.

(۵) قانونگذار به عنوان آخرین اراده خود در باب تقنین قوانین وکالت، بالصراحه در ماده ۲۴ لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳ اشعار داشته:



نقد بخشنامه معاونت قوه قضائیه پیرامون ماده ۳۲ قانون وکالت ۱۳۱۵ شهر آنجفی / وکیل پایه یک / کانون وکلای دادگستری استان مرکزی

"لایحه قانونی استقلال کانون وکلا مصوب اسفند ۱۳۳۱ و آن قسمت از قانون وکالت مصوب بهمن ماه ۱۳۱۵ و بند ۸ از ماده اول قانون بودجه سال ۱۳۲۶ مجلس شورای ملی و سایر قوانین و مقررات راجع به وکالت که با مواد این قانون مغایرت داشته باشد نسخ می شود."

به دیگر سخن، گرچه قانون وکالت ۱۳۱۵ برخلاف لایحه استقلال مصوب ۱۳۳۱، بطور مطلق نسخ نگردیده، لکن آن قسمت از قانون وکالت ۱۳۱۵ که با مواد لایحه استقلال کانون مصوب ۱۳۳۳ مغایرت داشته، نسخ می باشد.

حالیه با مذاقه در نصوص مادّین معنون، به سهولت می توان به اراده واقعی و نهایی قانونگذار و مغایرت مبرهن ماده ۳۲ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ با ماده ۱۹ لایحه استقلال کانون مصوب ۱۳۳۳ و نتیجتاً نسخ ضمنی جزئی ماده ۳۲ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ پی برد و مواد ۱ و ۲ آیین نامه مصوب ۱۳۸۵ را نیز مهرتاییدی بر راستی و درستی این استدلال دانست، چرا که:

قانونگذار در سال ۱۳۱۵ طی ماده ۳۲، بالصرّاحه و کلاء را مکلف به تنظیم قرارداد حق الوکاله و متعاقباً تسلیم نتیجه این تکلیف (تنظیم قرارداد حق الوکاله) به محکمه نموده لکن در سال ۱۳۳۳ طی ماده ۱۹ لایحه استقلال و مغایر صریح ماده ۳۲ قانون وکالت، بالصرّاحه و کلاء را از تکلیف به تنظیم قرارداد حق الوکاله، مبرا نموده و در فرض عدم تسلیم قرارداد حق الوکاله، تعرفه قانونی را مناط اعتبار دانسته است.

✓ و اکنون شاه بیت این مناقشه در اینجاست:

ریاست محترم قوه قضائیه نیز در تاریخ ۱۳۸۵/۴/۲۷ ضمن تصویب آیین نامه حق الوکاله مصوب ۱۳۸۵، تفسیر و برداشت ابرازی مبنی بر نسخ ماده ۳۲ قانون وکالت ۱۳۱۵ را بطور شفاف و بدون تکلف پذیرفته و طی مادّین ۱ و ۲ آیین نامه موصوف، قائل بر عدم لزوم ارائه قرارداد حق الوکاله توسط وکلاء شده اند!



نقد بخشنامه معاونت قوه قضائیه پیرامون ماده ۳۲ قانون وکالت ۱۳۱۵ شهر آنجفی / وکیل پایه یک / کانون وکلای دادگستری استان مرکزی

به دیگر سخن، اصدار چنین بخشنامه ای از سوی معاونت محترم قوه قضائیه مصداق یک بام و دو هواست! آنچنانکه ریاست قوه قضائیه در برهه ای از زمان، ضمن تصویب آیین نامه مصوب ۱۳۸۵ قائل بر نسخ ماده ۳۲ قانون وکالت و عدم لزوم تسلیم قرارداد حق الوکاله بوده ولیکن در برهه ای دیگر، معاونت محترم ایشان قائل بر بقای ماده ۳۲ و لزوم تسلیم قرارداد حق الوکاله و کلاء می باشند!

مع الوصف با امعان نظر بر جهات و مستندات قانونی معنون مبنی بر نسخ ضمنی جزئی ماده ۳۲ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵، بخشنامه موصوف خلاف قانون بوده و وکلای دادگستری قانونا مخیر به تسلیم قرارداد حق الوکاله موکلین خود به محاکم می باشند.

شهر آنجفی

وکیل پایه یک دادگستری